

## قالب‌های هنری دین در زیبایی‌شناسی هگل و دلالت‌های تربیتی آن؛ انعکاس در هنر مجسمه‌سازی

### چکیده

هنر، دین و فلسفه با یکدیگر دارای روابط عمیقی هستند. فلسفه هگل یکی از مظاهر آمیختگی این سه مقوله است. هنر مجسمه‌سازی را می‌توان یکی از جلوه‌گاه‌های این نوع هنر دانست. در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. روش پژوهش مورد استفاده روش استنتاجی فرانکنا می‌باشد. در این روش در ابتدا محقق به استنتاج اصل تربیتی از هدف غائی و گزاره واقع نگر مبنایی پرداخته و سپس به استنتاج روش تربیتی از اصلی که در استنتاج پیشین به دست آمده و گزاره واقع نگر مصداقی پرداخته است. حوزه پژوهش شامل کتاب‌های هگل، سایر منابع و پژوهش‌ها حول محور مفاهیم زیباشناسی هگل، مبانی نظری زیباشناسی وی و زمینه‌های تربیتی آن می‌باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که بیان ژرف‌ترین ارزش‌های ذاتی هر تمدن و آشکارسازی ایده مطلق از جمله اهداف اساسی تربیت زیباشناسی استنتاج شده از نظرات هگل می‌باشد که نیل به آن در گرو استفاده از اصولی چون شیوه بیان ارزش‌های ذاتی هر تمدن متناسب با دوره تاریخی خود می‌باشد که شیوه بیان هنری، دینی و فلسفی و ارتباط آنها با یکدیگر از روش‌های رسیدن به این اهداف و اصول است. همچنین رساندن انسان به حد کمال و حقیقت غایی از دیگر اهداف اساسی تربیت زیباشناسی هگل می‌باشد که انتقال و اشاعه باورهای دینی از اصول آن و استفاده از قالب‌های هنری سمبولیک، کلاسیک و نمادین به منظور بیان اعتقادات دینی از جمله روش‌های آن است.

### اهداف پژوهش:

۱. استنتاج اهداف تربیت زیباشناختی هگل با بررسی قالب‌های هنری دین در زیباشناسی وی.
۲. استنتاج اصول تربیت زیباشناختی هگل با بررسی قالب‌های هنری دین در زیباشناسی وی

### سؤالات پژوهش:

۱. کدام اهداف تربیت زیباشناختی را می‌توان از اندیشه‌های هگل استنتاج کرد؟
۲. کدام روش‌های تربیت زیباشناختی را می‌توان از اندیشه‌های هگل استنتاج کرد؟

**کلیدواژه‌ها:** زیبایی‌شناسی، هنر، دین، هگل، مجسمه‌سازی.

هگل در ابتدای درس گفتارهایی درباره زیبایی‌شناسی هنر را عرصه تجلی روح انسانی می‌داند. بنابراین شرط اساسی اثر هنری آن است که روح را در حال سازش با خویش نشان دهد. او در نظام فلسفی خود می‌خواهد پاسخ این پرسش را بداند که هنر که یکی از مظاهر بیان و جلوه روح است، در تعالی روح مطلق چه جایگاهی دارد و دارای چه ساختاری می‌باشد؟ لذا در نظر او بحث درباره هنر یعنی بحث درباره نحوه قرار گرفتن روح در قالب رنگ، سبک، نماد؛ و نحوه هماهنگی و توازن بین معنای اثر هنری و قالب مادی آن، و همچنین نحوه بسط و گسترش روح در قالب ماده‌ای که اثر هنری در آن تحقق می‌یابد. بر همین اساس ستیس<sup>۱</sup> در جلد دوم کتاب خود با عنوان "فلسفه هگل" هر اثر هنری را با توجه به نظرات هگل به دو بخش تقسیم می‌کند که عبارتند از: الف) محتوای روحی، ب) کالبد مادی یا صورت؛ سپس او خود بیان می‌دارد که در اثر هنری مطلوب و به کمال رسیده این دو بخش یعنی معنی و صورت با هم در یگانگی و سازش کاملند، چندان که صورت یا کالبد مظهر کامل و تام معنی است و معنی نیز به نوبه ی خود جز آن صورت، واسطه‌ای کافی برای تظاهر خویش نمی‌یابد. ولی حصول این یگانگی و سازش همیشه امکان ندارد و از روابط گوناگونی که میان معنی و صورت وجود دارد انواع اساسی هنر پدید می‌آیند (ستیس، ۱۳۹۳: ۶۲۹). از نظر هگل ویژگی هنر، صورت‌های متغیر و جنبه پدیداری آن را شامل می‌شود، در حالی که مطلق، ذات و حقیقت آن و امری غیرپدیداری است. هگل برای جمع میان این پدیدار و غیرپدیدار می‌کوشد تا از دریچه نظام مفهومی خود، زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر را در بستر مراحل که آگاهی طی می‌کند، جای دهد. همچنین به عقیده وی، هنر برای آنکه بتواند به حقیقت خود تحقق بخشد، باید به جمع دین و فلسفه درآید و همانند چیزی از مراحل در آگاهی درآمدن امر الهی باشد. در باب ربط و نسبت فلسفه با دین، هگل بالاترین فرمان مطلق را "شناخت خدا" می‌داند، از همین رو، فلسفه‌ورزی درواقع خود عبارت است از دین ورزی؛ چرا که هر دو (دین و فلسفه) به دنبال شناخت آن جاودانی هستند که خداست. هنر نیز عهده‌دار همین معناست اما به شیوه خاص خود، آن را به طرز محسوس به تحقق درمی‌آورد. لذا همچنان که دین، رضایت روح در حیات درونی انسان است هنر هم رضایت روح در قالب اثر هنری است. در واقع باید گفت که هنر در ابتدا منضم به اعتقادات دینی به معنای کلی کلمه بوده است و اولین آثار هنری، اسطوره‌ها را مجسم ساخته‌اند. از ابتدای تاریخ، بشر کوشش کرده است آنچه را که در اشیاء طبیعی نهفته و پنهان می‌پندارد در قالب آثار هنری مصور گرداند. بدین ترتیب قبل از پیدایش متن‌های مقدس و مذاهب رسمی، هنر اولین بیان‌کننده اعتقادات دینی بشر بوده است و آثار هنری ابتدایی، صور کلی انتزاعی نیستند بلکه اعتقاد را منضم به قالب مادی خود دارند. لذا محقق در این پژوهش سعی بر آن داشته است که چگونگی ارتباطی که بین قالب و محتوای هنر در طول تاریخ وجود داشته و همچنین قالب‌های هنری ای که دین می‌تواند در آن قالب‌ها جای گیرد را در فلسفه زیباشناسی هگل - که به عنوان چهره‌ای ممتاز در حوزه تاریخ هنر بوده و او را در واقع "پدر شکل مدرن تاریخ هنر" دانسته‌اند (بیزر<sup>۲</sup>، ۱۳۹۳: ۴۴۱)

<sup>۱</sup> . Stace

<sup>۲</sup> .Beiser

مورد بررسی قرار داده و سپس از نظرات این فیلسوف اهداف، اصول و روش‌هایی را به منظور استفاده در نظام تعلیم و تربیت استخراج کند.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. رمضان ماهی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش هنر در رسیدن به معرفت با تکیه بر آراء هگل» به بررسی ارتباط هنر، اصول تربیتی و فلسفه هگل پرداخته است. با این حال در این پژوهش به زیبایی‌شناسی هگل در هنر مجسمه‌سازی پرداخته نشده است. لذا در پژوهش حاضر به صورت مفصل به بررسی دیدگاه زیبایی‌شناسی هگل پرداخته شده است.

این پژوهش با روش الگوی پیش رونده فرانکنا<sup>۲</sup>، انجام گرفته است. در این روش اطلاعات جمع‌آوری شده به منظور تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری، در قالب گزاره‌های هنجارین و گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی به اطلاعاتی ارزشمند تبدیل گردیده است. در استنتاج عملی به شکل پیش‌رونده، کار از تمهید مقدمات هنجارین و واقع‌نگر آغاز می‌شود و به یافتن نتیجه هنجارین منجر می‌گردد (باقری، ۱۳۹۴: ۶۰). به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی پژوهش حاضر، ابتدا اطلاعات مربوط به سؤالات پژوهش از منابع مورد نظر استخراج گردید و سپس توسط روش قیاس عملی در قالب دو مقدمه هنجارین (هدف هنجارین) و واقع‌نگر که منجر به استنتاج اصل تربیتی شده؛ و همچنین در قالب دو گزاره هنجارین بایدی (اصل تربیتی) و گزاره واقع‌نگر مصداقی که منجر به استنتاج روش تربیتی شده؛ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بدین گونه اهداف، اصول و روش‌های تربیت زیباشناسی از نظرات هگل استخراج گردید.

### نتیجه‌گیری

بیان ژرف‌ترین ارزش‌های ذاتی هر تمدن، و آشکارسازی ایده مطلق (بالاترین حالت آگاهی انسان) از جمله اهداف اساسی تربیت زیباشناسی استنتاج شده از نظرات هگل می‌باشد که نیل به آن در گرو اصولی چون شیوه بیان ارزش‌های ذاتی هر تمدن متناسب با دوره تاریخی خود است و شیوه بیان هنری، دینی و فلسفی و ارتباط آنها با یکدیگر از روش‌های آن است. یکی دیگر از اهداف اساسی تربیت زیباشناسی هگل نیز رساندن انسانی عام به حد کمال و حقیقت غایی است که نیل به آن در گرو اصولی چون انتقال و اشاعه باورهای دینی است و استفاده از قالب‌های هنری سمبولیک، کلاسیک و رومانتیک به منظور بیان اعتقادات دینی از روش‌های آن است. تربیت زیباشناسی می‌تواند بستری مناسب برای رشد، تعالی، درک و تجربه ارزش‌های والا باشد، زیرا اساساً یکی از نیازهای فطری انسان میل به زیبایی است. استفاده از هنر بهترین راه برای حفظ ارزش‌های اسلامی و نشان دادن اعتقادات و باورهای دینی در ذهن و دل متربیان است. استفاده از هنر و به‌کارگیری این ابزار نقش مهم و مؤثری در تعلیم و تربیت دارد زیرا دین و هنر هر دو ریشه در فطرت انسان دارند و از کشش‌های درونی برخوردارند. وجود حس زیباپرستی و جمال‌خواهی در فطرت انسان عاملی بسیار قوی است که همگان، بالأخص معلمان و مربیان تربیتی به آن اذعان دارند و با استفاده از آن می‌توانند رغبت و گرایش دانش‌آموزان را به مباحث تربیتی، پرورشی و به ویژه موضوعات دینی افزایش دهند. هنر یکی از قوی‌ترین و کارآمدترین ابزارهایی

---

<sup>۲</sup>. Frankena

است که در اختیار معلمان و مربیان پرورشی قرار دارد و اگر درست از آن بهره‌گیری شود تأثیر غیرمستقیم و ماندگار مسائل تربیتی را به‌نحوی مطلوب افزایش می‌دهد. هنر زبان دل است و هم‌جهت با ویژگی‌های عاطفی و علایق کودکان و نوجوانان است و می‌تواند نقش بسیار زیادی در زنده نگاه داشتن و باروری ابعاد مختلف شخصیت کودکان و نوجوانان و نهادینه کردن اعتقادات دینی و باورهای معنوی آنها داشته باشد و تأثیری ژرف و عمیق در آنها بگذارد. هگل زیبایی را نه حاصل ساختار متناسب و نظام‌مند اثر هنری، بلکه متأثر از صوری خدایی می‌داند که در اثر هنری متجلی می‌شود و از امر محسوس آغاز و سپس به امر معقول می‌رسد. بنابراین در نظام تعلیم و تربیت اگر شاگردان در آغاز، درکی از زیبایی‌های عینی و محسوس و متناهی کسب نکنند، نمی‌توان ذهن آنها را به سمت زیبایی‌های روحی و نامحسوس و نامتناهی سوق داد. ضمناً روح بر پایه‌ی جهان محسوس و عینی به سمت جهان برتر و والاتر عروج می‌یابد. انسان با تذهیب و تزکیه از درون تصفیه و پالایش روحی می‌یابد تا شرایط درک حقیقت مطلق را پیدا کند. هنر به زعم هگل اولین قدم برای درک دین و تصفیه‌ی روحی است چون با امور محسوس زیبا سر و کار دارد و از دین و فلسفه محسوس‌تر است. در قید و بند و گرفتار قالب محسوس و مادی است. بنابراین هنر بهترین وسیله برای آغاز درک شاگردان از امور معنوی و مجرد است؛ به خصوص که شاگردان در سنین پایین‌تر تحصیلی با امور محسوس و مادی ارتباط بهتر و ملموس‌تری نسبت به امور روحی و نامحسوس و مجرد ذهنی برقرار می‌کنند. بنابراین در تربیت دینی و اخلاقی و ارزشی شاگردان باید به میزان رقابتی که یک هنر نسبت به هنرهای دیگر در بیان امور محسوس و عینی دارد توجه ویژه داشت و از هنر مجسمه‌سازی، سپس هنر نقاشی و در نهایت شعر که از هنرهای دیگر مجردتر است و در قالب الفاظ و معانی سخن خود را بیان می‌کند؛ به منظور آموزش و انتقال مفاهیم و موضوعات تربیتی، اخلاقی، ارزشی و اعتقادی بهره برد. بنابراین استفاده از روش مستقیم و غیر مستقیم در آموزش مفاهیم دینی به سن شاگردان و رشد ذهنی آنها بستگی دارد. همچنان که در سنین پایین‌تر تحصیلی (به خصوص در هفت سال اول تحصیل)، مفاهیم دینی و ارزشی با آموزش غیر مستقیم و در قالب نقاشی، نمایش، شعر، قصه و سایر هنرهای دیگر به شاگردان آموزش داده می‌شود در هفت سال دوم تحصیلی باید این آموزش مستقیم شده و معلمان و مربیان تربیتی می‌توانند به طور مستقیم به آموزش مسائل دینی و ارزشی به شاگردان روی آورند؛ و به همین منوال در سالهای بالاتر تحصیلی نیز به دلیل رشد حیطه‌ی شناختی شاگردان و اشراف بیشتر آنها به مسائل مجرد و مباحث فلسفی و علوم محض، معلمان و مربیان تربیتی می‌توانند از روش پرسش و پاسخ و مباحثه جهت درک عمیق‌تر مسائل مذهبی، ارزشی و اخلاقی در تربیت دینی و اخلاقی شاگردان بهره گیرند.

#### منابع:

اردبیلی محمد مهدی. (۱۳۹۴). هگل: از متافیزیک به پدیدارشناسی. چاپ اول. تهران: نشر علمی.

استرن، رابرت. (۱۳۹۶). هگل و پدیدارشناسی روح. ترجمه سید محمدجواد سیدی؛ محمدمهدی اردبیلی، چاپ سوم. تهران: ققنوس.

اسکروتن، راجر. (۱۳۹۳). زیبایی. چاپ اول. ترجمه فریده فرنودفر، امیر نصری. تهران: مینوی خرد.

باقری، خسرو. (۱۳۹۴). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

بیزر، فردریک. (۱۳۹۳). هگل. چاپ دوم. ترجمه مسعود حسینی. تهران: ققنوس.

ستیس والتر، ترنس. (۱۳۹۳). فلسفه هگل (جلد دوم)؛ چاپ یازدهم، ترجمه حمید عنایت، تهران: امیرکبیر.

شفر ژان، ماری. (۱۳۸۷). هنر دوران مدرن؛ فلسفه هنر از کانت تا هایدگر، چاپ دوم، ترجمه ایرج قانونی، تهران: آگه.

فلاح رفیع، علی. (۱۳۹۶). فلسفه دین هگل. چاپ دوم. تهران: علم.

فروغی، محمد علی. (۱۳۸۳). سیر حکمت در اروپا. جلد سوم، چاپ سوم. تهران: هرمس.

عبادیان، محمود. (۱۳۸۶). هگل زیبا: تأملی در آرای زیبایی‌شناسانه هگل، مجله خردنامه همشهری، ۲۰: ۸-۱۰.  
گات بریس، مک آیورلوپس دومینیک. (۱۳۹۱). دانشنامه زیبایی‌شناسی، ترجمه شیده احمدزاده، مسعود قاسمیان و همکاران، تهران: فرهنگستان هنر.

گارودی، روزه. (۱۳۶۲). در شناخت اندیشه هگل، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول. تهران: آگاه.

لاکست، ژان. (۱۳۹۳). فلسفه هنر. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، چاپ دوم، تهران: ماهی.

فیندلی جان ن، بریچ جان. (۱۳۹۵). گفتارهایی درباره‌ی فلسفه‌ی هگل. چاپ سوم. ترجمه حسن مرتضوی، تهران: نشر چشمه.

مجته‌دی، کریم. (۱۳۹۰). افکار هگل، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.  
مجته‌دی، کریم. (۱۳۹۵). درباره‌ی هگل و فلسفه‌ی او (مجموعه مقالات)، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.

مسگری، احمدعلی اکبر؛ ساعتچی، محمد مهدی. (۱۳۹۲). تحول زیبایی‌شناسی در فلسفه هنر هگل، مجله پژوهشنامه علوم انسانی، ۱ (۶۹): ۱۲۷-۱۴۶.

منصورنژاد، محمد. (۱۳۸۳). دیالکتیک و هگل، مجله نامه فرهنگ، ۳(۵۴): ۱۳۹-۱۵۵.

هگل، فریدریش. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر زیبایی‌شناسی، چاپ اول، ترجمه ستاره معصومی، تهران: آرام.

هگل، فریدریش. (۱۳۹۵). دانش پدیدارشناسی روح، چاپ اول، ترجمه ابراهیم ملک اسماعیلی، تهران: نگاه.

هگل، فریدریش. (۱۳۹۵). دانشنامه علوم فلسفی، چاپ اول، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگه.

هگل، فریدریش. (۱۳۹۶). تاریخ فلسفه (جلد ۱)، چاپ دوم، ترجمه زیبا جبلی، تهران: شفیعی.

هگل، فریدریش. (۱۳۹۶). درس‌هایی درباره فلسفه تاریخ، چاپ اول، ترجمه ابراهیم ملک اسماعیلی، تهران: نگاه.

Danto, Arthur. c. (۱۹۹۸). The End of Art : A Philosophical Defense, History and Theory, vol ۳۷, No. ۴, Oxford University press.

Hegel, G.W.F. (۱۹۹۸). Aesthetics: Lectures on fine Art, translated by T.M.Konx, Oxford, University press.

Rappaport, R. A. (۲۰۰۱). "Ritual and Religion in the Making Of Humanity". Cambridge university Press.